

متن پرسش

شما در جلسه دوم، علت این که برخی مبتلا به فتنة ۸۸ شدند را نگاه کردن به انقلاب با «عقل غربی» دانستید. بعد ما در سؤال (۲۷۲۴) اشکال کردیم که: علتش، بی تقوایی است، نه عقل غربی. شما پاسخ دادید که: هر کس بی تقوایی به خرج بدهد، گریزی از فکر غربی ندارد؛ چون آن فکر را انعکاس امیان خود می‌داند. بعد ما در سؤال (۳۱۳۳) اشکال کردیم که: «مگر هر کس دنبال هوای نفس بود، دنبال فکر غربی و تغییر طبیعت است؟»، و شما پاسخ فرمودید: فکر غربی، وجوهی دارد که یک وجهش تغییر طبیعت، و وجه دیگرش بی تقوایی و تبعیت از هوای نفس است. پس منظور شما این است که: علت این که آنها مبتلا به فتنة ۸۸ شدند، بی تقوایی بود که این بی تقوایی، یکی از وجوه فکر غربی است. ما پاسخ آن سؤال مان را گرفتیم، بسیار عالی بود! اما به خاطر «رابعاً» که در این سؤال خدمتتان عرضه می‌گردد، به ما حق بدهید که هرگز چنین جوابی به فکر خودمان نرسد. اکنون در این راستا چند سؤال برای ما مطرح شد: اولاً آیا ممکن است لطف کنید تمام وجوه فکر غربی را برای ما احصا کنید؟ یا این که وجوه مختلفی دارد که اصلاً قابل احصا نیست؟ ثانیاً مسلماً انقلاب اسلامی هم وجوهی دارد، آیا فکر غربی وجوهی دارد که با برخی وجوه انقلاب اسلامی مشترک باشد (مثلاً تأمین امنیت برای مردم صرف نظر از روش این کار)؟ ثالثاً در صورت پاسخ مثبت به سؤال قبلی، آیا می‌توان گفت: «ممکن است کسی مبتلا به برخی وجوه فکر غربی باشد، اما با انقلاب درگیر نشود (به خاطر اشتراک آن وجوه بین دو تمدن)؟ رابعاً این که «فکر غربی وجوهی دارد، و پذیرفتن یک وجه، مستلزم پذیرفتن وجوه دیگر نیست.» چگونه با این مطلب که خودتان بارها فرموده‌اید: «غرب، یک مجموعه است؛ نمی‌شود قسمتی از آن را بگیری و قسمتی دیگر را نگیری.» قابل جمع است؟ آیا این جمله تنها مختص تکنولوژی است و آن امکان تفکیک تنها مختص فکر و فرهنگ است؟ فکرمی‌کنم در اصل مطلب به تفاهم رسیده‌باشیم، اما در نحوه بیان این مطلب: وقتی یک مشکلی ناشی از یکی از وجوه فکر غربی است، آیا بهتر نیست آن مشکل را به همان وجه نسبت بدهیم نه به کل فکر غربی؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- فکر نمی‌کنم بشود تمام وجوه یک فکر را شمارش کرد، چون آن فکر در عرصه‌های مختلف ظهورات مختلف دارد ۲- اگر به ظاهر مشترکاتی بین تفکر غربی و انقلاب اسلامی هست، مثل ایجاد امنیت، چون با دو رویکرد می‌باشد نباید آن‌ها را یکی دانست چون به یکجا ختم نمی‌شود ۳- پس در نهایت نمی‌تواند کنار انقلاب باشد ۴- جهت کلی غرب یک فکر است ولی وجوه آن

بستگی به شرایط دارد. هندوستان و ژاپن هر دو فکر غربی را پذیرفته‌اند و در آن مسیر حرکت می‌کنند ولی چهره‌هایی از غرب که در ژاپن ظهور می‌کند در هندوستان ظهور نمی‌کند، از این جهت می‌توان گفت پذیرفتن یک وجه از فرهنگ غرب مستلزم پذیرفتن وجوه دیگر نیست. موفق باشید